



• سه‌شنبه ۱۱ دی ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۲۴

#### حدیث روز

حضرت علی (ع): صدقه و وقف دو ذخیره‌اند، آن‌ها را برای روز خودشان (قیامت) وانهید.

دعایم‌الاسلام

ذکر روز سه‌شنبه

**صدمرتبه «یارحم‌الراحمین»**

#### در محضر بزرگان

### مثل میخ کج!

حجت‌الاسلام رنجبر در اهمیت راستی و صداقت در زندگی گفته‌اند:

یک میخ اگر راست باشد هر چه هم ضربه بخورد بیشتر رفته و محکم‌تر و مقاوم‌تر خواهد شد. به همین دلیل هم قرآن به‌ما می‌گوید بیایید راستی و صداقت پیشه کنید. این جاست که هیچ کسی نمی‌تواند به شما آسیب بزند. اگر اهل شکیبایی باشید، اگر نتقاا پیشه کنید و در یک سخن، اگر راستی و درستی پیشه کنید، هیچ کسی نمی‌تواند به شما آسیب بزند. اما اگر صداقت پیشه نکنید و کج بشوید و کج رفتار باشید مثل همان میخ، کج می‌مانید؛ هر چه ضربه بخورید بیشتر کج می‌شوید.

**تارنمای سمت خدا**

#### حکایت

### زندان درویش

درویشی کلبه‌ای ساخت و خود را درون آن زندانی کرد. رهگذری او را خطاب قرار داد که این چه کار است؟ درویش گفت: من درون خود سگی گزنده دیده‌ام که مرا شهر به شهر و کوچه به کوچه از پی خود می‌کشانید و هر کاری به دلخواه خود می‌کرد. اکنون آن سگ را زندانی کرده و قصد دارم بر او مسلط باشم.

**برگرفته از الهی‌نامه عطار**

#### بریده کتاب

### زندگی روزانه

احساس می‌کنم روز به روز زندگی می‌کنم؛ حتی ساعت به ساعت. احساس این که زمان لحظه به لحظه دارد زندگی‌ام را می‌قايد و من هیچ علاجي نمی‌توانم بکنم، دچار انزجارم می‌کند. و این انزجار وقتی به حد خود می‌رسد که نمی‌توانم در شبانه‌روز به اندازه‌ای که لازم و بایسته می‌دانم، کار بکنم.

**برگرفته از «نون‌نوشتن» اثر محمود دولت‌آبادی**

#### قرار مدار



### اندکی صبر

### بوی تو

*منوچهر پورزین*

بوی زعفرانی‌ات را دوست دارم بگذار باچای بنوشمت!

#### دنیا به روایت تصویر



**گتی‌ایمیج** | مردی بر فاطراف ماشینش را پاک می‌کند، ترکیه

#### تایخند

- سوالم اینه مگه «قهر قهر تاروز قیامت» چه عیبی داشت که به بچه هاتون یاد دادین بگن «بای فور اور»؟!
- پشه‌ای که تو این سرما میاد نیش میزنه رو نباید بزنی تو سرش بمیره، باید دعوتش کنی بشینه به چای با همدیگه بخورین، رمز موفقیتش رو بهت بگه، چم و خم کارروازش یاد بگیری!
- یک بار با اولین زنگ آلارم از خواب بیدار شدم، زیون آلارم از خوشحالی گرفته بود تا چند روز زنگ نمی‌زد!
- کاش یک آلارمی هم بود که تنظیمش می‌کردیم به محض این که صداش در می‌اومد خوابمون می‌برد. عدالت نیست فقط باهاش بیدار شیم!
- آخریک روز به نرم افزار به نام TelGeram می‌سازم می‌دم به همه مامان و باباها!
- خدایا همین که دیگه دی ماه فصل امتحاناتم نیست، صد هزار مرتبه شکر ت!
- تو خانواده ما هر چی گم میشه منو بلند می‌کنن شاید زیر من باشه. حتی به سری داشتیم می‌رفتم جایی راه‌رو گم کردیم؛ زیر منو گشتن!
- از مدهای دهه شصت این که اغ‌از کیف‌هایی که با جلد ساندیس درست میشد بگیریم، اون قدر جو کوبلن دوزی بود که دست هر مردی هم یه کوبلن می‌دیدي!
- یک تور گرفتی سه شب و چهار روز... رفتی استوری می‌ذاری «برگردیم یا زوده؟» مگه می‌تونی برنگردی؟!

#### دیزالو

### کمی آهسته‌تر استاد، کمی آهسته‌تر رد شو!



دیزالو این هفته را با حال و هوای جشنواره فیلم فجر آغاز می‌کنیم. امسال هم مثل هر سال قبل از خود جشنواره، حواشی مربوط به راهبایی فیلم‌ها به فهرست نهایی آغاز شده‌است. مثلاً آقای دهنمکی فیلم جدیدش را از جشنواره بیرون کشید و گفت: «بعضی کارها از جنس رقابت نیستند. فیلمی که از زمان خودش جلوتر باشد، در چنین فضا‌های رقابتی دیده نمی‌شود». پس از این اظهار نظر همه ما از این افتادگی آقای دهنمکی دچار افتادگی فک شدیم. وودی آلن و اسپیلبرگ هم ضمن گفتن «کمی آهسته‌تر استاد، کمی آهسته‌تر رد شو!» از استاد دهنمکی خواستند یک جوری از زمان جلوتر نروند که هیچ کس نتواند بهش برسد. در کل به نظر ما بهتر است آقای دهنمکی کمی پایشان را روی پدال گاز شل تر کنند تا بقیه سینمای جهان هم بتوانند به ایشان کمی نزدیک شوند.

اما حواشی انتخاب جشنواره، به همین موضوع ختم نمی‌شود و امسال فیلمی در بخش نگاه نو انتخاب شده که پیش از این هم نسخه‌ای از آن در دوره‌های قبل ارائه و بازبینی شده بود. منتها این دوره نام خودش را عوض کرده دوباره شرکت کرده است. کلا یک سری فیلم ر د شده داریم که هر سال اسم‌شان را عوض می‌کنند و شرکت می‌کنند. گفته می‌شود این فیلم که امسال در بخش «نگاه نو» انتخاب شده است، از داوران دوره قبل امضا جمع کرده و آن‌ها تعهد داده‌اند این فیلم را قبلاً ندیده‌اند و سال گذشته موقع پخشش، یک لحظه خواب‌شان برده است. به نظر م باید برای یک سری از فیلم‌ها هم به علت پشتکار و ول نکن بودن یک سیمرغی در نظر بگیرند بلکه سیمرغ را بگیرند ول کنند بروند.

از جشنواره فجر که بگذریم یک اتفاق جنجالی هم در شبکه محلی کیش افتاد که به شدت بحث برانگیز شد. در این اتفاق عجیب این بار آقای جکی چان به جای این که به روال سابق کونگ‌فو و هنرهای رزمی را برای ما به نمایش بگذارد، کارهای عجیب دیگری انجام داد. مدیران شبکه هم حداقل نکر دند یک زیرنویسی چیزی بگذارند برای ما شفاف سازی شود قضیه از چه قرار است؟ به نظر می‌رسد این مدیران پخش کننده، چوب اعتماد بیش از حدشان به آقای جکی چان را خور دند و البته بر خلاف روال همیشگی پس از حوادث به سرعت بر کنار شدند. به هر حال این تجربه‌ای شد که دیگر به هیچ کس اعتماد نکنیم. آن از ماجرای عموی سوباسا و این هم از جکی چان. من حتی باور نمی‌کنم «ای کیو سان» هم آن قدر بچه‌سر به راهی بوده باشد و یک روزی ذات پلیدش بر ما هویدا خواهد شد، پسرک کچل!

#### آی‌امی‌دانید؟

### دانستنی‌هایی درباره هواپیما



**شین هوا** | عبور از عرض رودخانه، نپال

#### تا حالا دقت کردین



#### دور دنیا

### نماد انعطاف‌پذیری



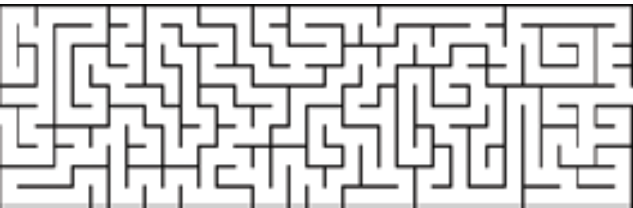
**فوربس** - پس از این که برج‌های ۱۱۰ طبقه مرکز تجارت جهانی نیویورک فرو ریخت و ۲۷۵۳ انسان کشته شدند، آخرین چیزی که زنده‌از زیر آوار خارج شد، یک درخت گلابی کلری بود. به این درخت به دلیل مقاومت در برابر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عنوان «درخت زندگی» داده‌اند. یک ماه بعد از این حملات این درخت به شدت آسیب دیده، سوخته و شکسته در زیر زمین پیدا شد. متخصصان شهری و کارشناسان محیط زیست این درخت را از ریشه درآوردند و برای مراقبت و توان بخشی به پارکی در نیویورک منتقل کردند. بعد از بهبودی دوباره آن درخت به محل اصلی خود به عنوان یادگاری از این واقعه خونبار برگردانده شد. امروزه این درخت نمادی از انعطاف‌پذیری، زندگی و تولد دوباره در معرض دید عموم قرار گرفته‌است.

### مشهورترین ماهی یخ‌زده روزهای اخیر



**اسپوتنیک**- سرمای طاقت فرسای زمستان باعث می‌شود آبزیان در این فصل از شدت سرما خشک شوند. در این روزها ویدئویی از خشک شدن یک ماهی در حالت شنا و خروج از دریاچه در فضای مجازی منتشر شده‌است که میزان شدت سرما را در فصل زمستان در برخی از دریاچه‌ها نمایش می‌دهد. هر چند دمای بدن ماهی‌ها متناسب با محیط تنظیم می‌شود، اما در فصل زمستان دمای آب دریاچه‌ها بیش از حد کاهش می‌یابد و دلیلی برای فرار ماهی‌ها از این سرما می‌شود. آن‌ها یا به کف دریاچه‌ها می‌روند که گرم‌ترین نقطه در فصل زمستان است یا به‌روی آب می‌آیند که گاهی ممکن است شدت سرما باعث خشک شدن آن‌ها در بیرون از آب شود.

#### مار بیخ (سختی ۶۰٪)



**شاتراستاک** | آدم‌برفی غول‌پیکر، چین

#### تفال

مداممست می‌دارد نسیم جعد گیسویت

خراهمی‌کند هر دم فریب چشم جادویت

پس از چندین شکیبایی شبی یارب توان دیدن

که شمع دیده افروزم در محراب ابرویت

#### افسانه‌های نوین

### درخت سخنگو و رهگذر گزافه‌گو



**علکساندر کاربر اتور** | مورخ، مولف و عمود منصف

آورده‌اند در زمان‌های قدیم رهگذری از روستایی گذر می‌کرد که چشمش به جمعیتی افتاد. با خود اندیشید شاید درشکه‌ای چپ کرده و مردم برای لذت بردن از تماشای آن صحنه دورش حلقه زده‌اند، یا شاید یک ورزشکار بین‌المللی هنرهای رزمی در حال اجرای فنون جدید است که مردم این قدر ذوق زده‌اند. با عجله جلوتر رفت ولی دید مردم دور یک درخت جمع شده‌اند و پای درخت پر از میوه و شیرینی و نان و تخم مرغ محلی و گوشت و رب خانگی بدون مواد نگه دارنده و کله قند درسته و از این حلو‌ها که کش می‌آید و نمک و فلفل و زردچوبه به اندازه کافی است. فکر کرد لابد پشت درخت محل توزیع سبد کالای روستاست و همه منتظرند تا بر اساس رقم آخر سبزه‌گیوه‌شان سبدشان را بگیرند. ولی ناگهان مردم ساکت شدند و صدایی به گوش رسید. صدا از توی درخت می‌آمد. یک لحظه کف کرد، بعد که به کف‌هایش نگاه کرد متوجه شد همسرش دیروز لباس‌هایش را شسته و خوب چلانده و هنوز کف در آن‌ها مانده و سرریز کرده است. دوباره حواسش را به درخت جمع کرد که شنید درخت می‌گوید اگر می‌خواهید دوست‌تان داشته باشم و هر روز برایتان سخن بگویم، باید گوشت گوسفند بیشتری برایم بیاورید، چون به گوشت گوساله حساسیت دارم و گوشت مرغ هم دوست ندارم.

مرد فهمید کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. برای همین به کنجی خزید و کمین کرد. پس از ساعتی که اطراف درخت خلوت شد، رهگذر دید مردی از سوراخ تنه درخت خارج شد و شروع به جمع‌آوری خوراکی‌های پای درخت کرد. مرد با خود اندیشید و در دلش افزود: «این شیاد از سادگی مردم سوءاستفاده می‌کند، باید پتاش را روی آب بریزم.»

فرد صبح که دوباره مردم دور درخت جمع شده بودند، رهگذر در اوج شلوغی و هنگام سخن گفتن درخت، یک پیت نفت آورد و روی درخت ریخت و رو به مردم افزود: «ای ابلهان! مردم رو به مرد افزودند: «بلی!» رهگذر در ادامه افزود: «الان به شما نشان خواهم داد که این درخت شیاد است و دارد شما را گول می‌زند... سپس مهلت نداد، کبریت زد و درخت را به آتش کشید، به این امید که مردم حیل‌گر درونش بیرون بیایند و دستش برای مردم رو شود. مردم که صحنه را دیدند هر اسان دنبال آب رفتند تا درخت را خاموش کنند و عده‌ای هم مرد را زیر چک و لگد گرفتند که: «ای ابله، این چه کاری بود؟ این درخت ثبت جهانی شده و در کتاب رکوردهای غینس به عنوان تنها درخت سخنگو نامش هست...» مرد خونین و مالین صحنه دیروز را تعریف کرد و مردم در جواش افزودند: «مجدداً ای ابله، آن مرد نگهبان شبانه درخت است و خودمان می‌دانیم می‌آید غذا‌ها را برمی‌دارد تا از درخت مراقبت کند و آب بدهد و هر سش کند...» و این گونه بود که تنها درخت سخنگوی جهان به فنا رفت و رهگذر هم درس بزرگ و دردناکی گرفت!

#### نیم دقیقه‌ای

### فضای کافی برای زندگی مشترک



خانم رابرتز پای تلفن با دوستش صحبت می‌کرد. دوستش احوال همسر خانم رابرتز را پرسید. خانم رابرتز گفت: «اونم خوبه، دیروز به من گفت لطفاً تو زندگی به کم به من فضا بده، من آزادی عمل ندارم...» دوست

خانم گفت: «او‌ه چه جسارت! تو چی گفتی؟» خانم رابرتز با خوشحالی پاسخ داد: «با کمال میل حرفش رو قبول کردم... از خونه انداختمش بیرون تا به اندازه کافی فضا و آزادی داشته باشه!»

ترجمه و تصویرسازی: فرنگیس یاقوتی، سعید مرادی

#### ماوشما

**راه‌ارتباطی با ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶**

- \* مادر عزیزم طاهره لطفی، بابت همه زحماتی که برای من و دو خواهرم کشیدی ممنونم و دستت رامی‌بوسم. **پسر ت امیر محمد**
- \* آق کمال؛ شما جلیقه زرد هم دارید؟ آیا الان می‌پوشید؟
- آق کمال**: جلقه ندرم ولی عمرا بپوشم! یک جاکت گلپه‌ی درم که همورم به‌زور عبال می‌پوشم.
- \* چند روز پیش رفتم به خونه پدریم مادرم و داداشم خونه بودند، همسایه بالایی در آپارتمان را باز کرد، جلوی در خونه بودم ولی خانواده در را باز نکردند... **صدیقه**
- \* اگه میشه به قسمت از زندگی سلام رو به خواننده‌ها اختصاص بدین.
- \* خواستم برای انتشار **۲۰ هزارمین** شماره تون تبریک بگم و بابت چاپ مطلب قاضل بافضل فروش در زندگی سلام از شما و نویسنده اثر تشکر کنم، عالی بود.